

آن‌سوی آب

هولی هیرشبرگ با بذرهای بسته‌بندی‌شده به کمک مردم آمده

باغبانی با طعم‌امید

ترجمه: فرهاد مشتاق

■ سی‌ان‌ان: باغبانی برای هولی هیرشبرگ تنها یک سرگرمی ساده و راهی برای نزدیکی بیشتر با فرزندان‌ش نبود اما وقتی آمریکا تحت تأثیر بحران اقتصادی قرار گرفت، باغچه هولی تبدیل به یک ضرورتی در زندگی او شد. خودش داستان را این‌گونه تعریف می‌کند: «در سال ۲۰۰۸ شوهرم مثل خیلی از آمریکایی‌های دیگر شغلش را از دست داد و زندگی‌مان از طریق باغچه‌مان می‌گذشت» هولسی و خانواده‌اش انواع و اقسام سبزیجات و مواد غذایی مورد نیازشان را از باغچه‌شان تأمین می‌کردند و بعد از مدتی آنها دیگر سراغ خوردن گوشت نرفتند. اتفاقی که باعث تعجب هولی شده بود چرا که خانواده‌اش در عین سادگی به نسبت سابق زندگی سالم‌تری داشتند: «خیلی خوب است که نه‌تنها من می‌توانم از خانواده‌ام مواظبت کنم بلکه این کار را به بهترین شکل ممکن انجام می‌دهم.» او بعد از مدتی کار خودش را گسترش داد و محصولاتش را با بقیه هم تقسیم کرد. چند ماه بعد او موسسه‌ای را تشکیل داد که بسته‌های بذر را به صورت رایگان در اختیار سایر مردم قرار می‌داد تا آنها بتوانند مواد غذایی مورد نظرشان را تأمین کنند. از آن زمان به بعد تا امروز موسسه هولی، مواد غذایی ۶۵ هزار خلوار آمریکایی را تأمین کرده است. هیرشبرگ ۳۹ ساله می‌گوید: «وقتی انسان با مشکلی مواجه می‌شود باید نگران مسایل مختلفی باشد و مدام به هزینه‌های زندگی‌اش فکر کند اما اگر مشکل غذایی‌اش حل شده باشد، قطعاً نگرانی‌اش کمتر خواهد شد.» طبق گزارش سال ۲۰۰۹ وزارت کشاورزی آمریکا ۲۹ درصد خانواده‌های این کشور مشکل غذا دارند و نمی‌توانند غذای کافی تهیه کنند. هیرشبرگ امیدوار است با کارهایش بتواند هرچه زودتر این بحران را حل کند. موسسه او امکانات باغبانی را در اختیار مشتریان قرار می‌دهد و به آنها یاد می‌دهد که چگونه خود کفایی را تجربه کنند. هر کسی از هر جای آمریکا می‌تواند به سایت موسسه هیرشبرگ رفته و سفارش بذر مورد نظرش را بدهد تا برای او بفرستند.

او می‌گوید: «اگر شما دوست دارید در خانه‌تان باغبانی کنید ما امکان آن را برای شما فراهم می‌کنیم. فقط کافی است بذرها را بکارید و منتظر رشد آن باشید. بعد از مدتی دیگر نگران مواد غذایی خانه‌تان نخواهید بود.» موسسه هیرشبرگ – باغچه شام –



بذرهای مورد نظر خود را از مردم و کمپانی‌هایی که در این زمینه فعالیت می‌کنند می‌گیرد: «مردمی که قبلاً از ما بذر می‌گرفتند حالا کمک زیادی به ما می‌کنند. آنها بذره‌ای جدید به ما می‌دهند تا بتوانیم خانواده دیگری را خوشحال کنیم.» هولی نه‌تنها خودش در بسته‌بندی بذرها به سایرین کمک می‌کند بلکه به داوطلبانی که دوست دارند به مردم خدمت کنند هم راه‌های بسته‌بندی را یاد می‌دهد. آنها با توجه به آب و هوای منطقه شخص درخواست‌کننده، ۱۰ مدل بذر برای طرف می‌فرستند تا هر کدام را که دوست دارد بکارد. هیرشبرگ می‌گوید از زمانی که در باغچه‌اش شروع به کاشتن سبزی کرد عاشق سبزیجات شد و به نظرش درون هر کسی اشتیاق لازم برای خوردن انواع سبزیجات وجود دارد: «آن چیزی که در مغازه می‌بینید تنها بخش کوچکی از سبزیجات و میوه‌های قابل ارایه است. ما در محصولاتمان یکسری نوآوری‌ها انجام داده‌ایم تا مشتریان‌مان بیشتر لذت ببرند.» خیلی از افرادی که از بذره‌های موسسه هیرشبرگ استفاده می‌کنند با او تماس می‌گیرند تا به صورت غیرحضوری باغبانی را هم یاد بگیرند و او هم سعی می‌کند به بهترین نحو ممکن به شاگردان ندیده‌اش آموزش دهد: «می‌خواهیم به مردم کمک کنیم تا مواد غذایی خودشان را تأمین کنند. باغبانی مهارتی است که در طول زندگی به درد آدم می‌خورد. حتی ناتوانی هم نمی‌تواند مانعی برای باغبانی باشد.» هیرشبرگ درست می‌گوید چرا که جولی آتابلو با وجود ناتوانی‌ای که دارد هم توانسته از طریق باغبانی با مشکلش کنار بیاید هم اینکه منبع درآمدی برای خودش درست کند. آتابلوی ۵۲ساله که حالا خودش یکی از همکاران موسسه هیرشبرگ شده می‌گوید: «بگر نیاز به خروج از آپارتمانم ندارم چرا که هر چیزی که نیاز داشته باشم دم دستم است.» به گفته هیرشبرگ موسسه او فقط جایی برای فراهم کردن مواد غذایی مردم نیست بلکه تمام تلاش این موسسه دادن غذای سالم به مردم و امیدوار کردن آنهاست. بیل بیم یکی از افرادی است که تا قبل از آشنایی با بذرهای هیرشبرگ، امید زیادی برای زندگی نداشت اما حالا شرایط این فرد تغییر کرده و او به زندگی لبخند می‌زند: «از روزی که با محصولات این موسسه آشنا شدم شرایط جسمی‌ام نسبت به گذشته بسیار بهتر شده و دیگر مشکل فشار خون و دیابت ندارم.»

دنیانگرس

رابرت مالویر و بازگویی خاطراتش از جنگ جهانی دوم

انگلیسی‌ها فرانسه را نجات دادند

ترجمه: رامین طبرسی



عکس: لس آنجلس تایمز

نیروهای آزادی‌خواه دو گل و دیگری میهن‌پرستان کمونیست، مورخی به نام ژان لویی بریله‌اک می‌گوید: «البته نباید از نقش انگلیسی‌ها هم به‌سادگی گذشت هرچند که باور این قضیه برای فرانسوی‌ها سخت است. ژنرال دوگل امر را داشت که آزادی فرانسه را فقط کار فرانسوی‌ها بداند و سهم کمی برای انگلیسی‌ها در نظر گرفته بود در حالی که آنها ۴۰۰ مامور خود با ملیت‌های مختلف را به فرانسه فرستاده بودند» مالویر در حومه پاریس به دنیا آمد و هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که او روزی مسول نیروهای ویژه شود. زمانی که جنگ شروع شد رابرت در دبیرستان تحصیل می‌کرد و آرزویش پیوستن به نیروهای ژنرال دوگل بود اما والدین او چندان با این قضیه موافق نبودند. زمانی که آلمانی‌ها پاریس را محاصره کردند والدین رابرت فرزندشان را تشویق کردند که به نیروهای مقاومت بپیوندد اما او نتوانست به مقر فرماندهی این نیرو در لندن برود و به

شورشیان می‌تواند به طرف آسمان شلیک کنند. کاری که رابرت و هم‌زمانش اجازه انجام آن را نداشتند. مالویر البته نگرانی‌هایی هم دارد. اگرچه او به چشم خود دیده که زمان جنگ جهانی دوم، جوانان و نوجوانان زیادی به میدان جنگ رفتند اما دیدن این تصاویر در جهان امروز برایش غیرقابل هضم است. رابرت خیلی سخت را می‌رود و ریش‌اش هم مشکل دارد. گلوله‌ای در بدنش یادگار نبرد او با نیروهای اس اس است با این همه او سعی می‌کند خودش را سب‌پا نگه دارد. در انگلیس نیروهای ویژه و سربانی که کشور به علت مأموریت‌هایی که در سرزمین‌های اشغال‌شده توسط نازی‌ها انجام داده بودند، شناخته می‌شوند. ارتش سری در فرانسه بخش مهمی از ناوگان هیتلر را از بین برد. نیروهای ویژه نیروی سری ژنرال دوگل را هم تمرین می‌دادند و بخش‌های زیادی از مناطق اشغالی را آزاد کردند اما فرانسوی‌ها تنها دو گروه را می‌شناسند. یکی

جای آن به الجزایر رفت تا وارد نیروهای متحدین شود. آنجا بود که او با نیروهای ویژه آشنا شد و به آنها پیوست. به گفته او دوگل مخالف حضور فرانسوی‌ها در ارتش‌های دیگر نبود اما خب آنها چاره‌ای جز این نداشتند. او بعد از مدتی به کشورش برگشت و گروهی از خلبانان را تمرین داد تا برای یک مأموریت بزرگ آشنا شود. مأموریت آنها حمله به زیرساخت‌های نظامی آلمان‌ها و نابود کردن آن بود. با اینکه در بین هم‌زمان رابرت، افرادی از خانواده‌های اشرافی هم حضور داشتند اما اکثر آنها کارگرانی بودند که چیزی برای از دست دادن نداشتند و خودشان را برای رویارویی با هر چیزی آماده کرده بودند. رابرت می‌گوید: «دور و بر من افرادی بودند که هیچ آشنایی با کاتیک‌های جنگی نداشتند اما می‌خواستند بجنگند.» او از مأموریت‌هایش خاطرات بسیاری دارد و می‌خواهد داستان خودش و هم‌زمانش را روی کاغذ بیاورد.

افتی:

۱- مفر – رودی در کشور برزیل ۲- لیبس زنان هندی – از شهرهای خراسان ۳- گشادگی – از نام‌های امام زین العابدین ۴- زدنِی آدم پنهان‌گیر – مرگ انگلیسی – مایه پیشرفت بعضی‌ها ۵- جمع مشرق ۵- به وجود آوردن – نوعی طلاق ۶- میهن – شهری در فارس – جمع نیت ۷- اتحادیه اقتصادی با عضویت و مشارکت ایران – به آرزو نرسیده – از جنس نر ۸- غاف شمشیر – جاهل – انتظار و چشم داشت ۹- گلفام – ریاضیدان نامی اتریشی – عبارت الهی ۱۰- کمک – جنبیدن – جمع ۱۱- مستمری روزانه – غیره‌ادی ۱۲- گونه‌ها، بخش‌ها ۱۳- پیشوند منفی – طلای سیاه – تکبر، غرور ۱۴- نوعی بازی برای سنجش مهارت در هدف‌گیری – ممنوع، نهی – مجازات کردن ۱۴- صلاح مار – شاگردانه قدیم – بار درخت ۱۵- دست از کار کشیدن گروهی برای وصول به هدف معین – زلزله

حل جدول ۱۳۰۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	م	و	س	و	ی	ا	ج	ر	ا	ب	ر	ز	ی	
۲	ق	ی	م	ت	ا	غ	و	ا	ک	ر	ب	ت	ک	
۳	ر	ا	ی	ک	ر	و	س	و	ب	ا	ج	ا		
۴	ا	ر	م	ک	ت	ک	ی	ا	س	ی	ن			
۵	ض	م	ج	ا	ل	ه	ب	ت	ی	ر	ک	ر		
۶	م	ر	ا	ه	ا	و	ج	ر	ا	و	د	ل		
۷	خ	س	ک	ا	ت	ب	ا	ت	ف	ا	م	ر	و	س
۸	م	ر	ک	ا	ه	ب	ر	س	ی	ن	ا	م	ر	و
۹	س	م	ی	ر	م	ه	و	م	ا	ن	س	ی	ن	
۱۰	ت	ب	و	ا	ه	ب	س	ب	و	ا	ر	ج	س	
۱۱	ت	ب	ت	ر	ی	و	ل	ج	ر	ج	س			
۱۲	ا	ب	ی	ک	ر	ا	ک	ا	ر	و	د	ل		
۱۳	ر	ا	ه	ب	و	ا	ن	ک	د	ا	د	ج	و	
۱۴	ت	ب	ک	م	ا	ن	ا	ت	ک	ی	د	ر		
۱۵	ب	ی	ه	و	ش	ی	ک	م	ر	د	ی	ا	ل	ی

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشور‌های مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۳۰۸

۲	۳	۷	۹	۴	۵	۶	۸	۱
۸	۱	۹	۲	۳	۶	۴	۷	۵
۴	۶	۵	۷	۸	۱	۲	۳	۹
۳	۹	۴	۱	۵	۷	۸	۶	۲
۶	۲	۱	۴	۹	۸	۳	۵	۷
۵	۷	۸	۳	۶	۲	۱	۹	۴
۱	۴	۶	۵	۷	۳	۹	۲	۸
۷	۸	۲	۶	۱	۹	۵	۴	۳
۹	۵	۲	۸	۲	۴	۷	۱	۶

جایی در دوردست

از تخت بیمارستان تا پشت دوربین

■ کی‌اس‌اُن نیوز: زندگی کلی بیبوت ۱۴ساله با هم‌سن و سالانش تفاوت‌های مختلفی دارد، چرا که او در این سن برای خودش نامی در دنیای هنر به هم زده و بازیگری و فیلمنامه‌نویسی می‌کند. او یک‌سال قبل برای اولین بار فیلمبرداری را تجربه کرد و از آن روز به بعد همه چیزش را به کارش اختصاص داده است. کلی می‌گوید: «خیلی زیاد فیلم می‌دیدم و همیشه جلوه‌های ویژه‌اش را با دقت بیشتری بررسی می‌کردم تا اینکه متوجه شدم واقعا عاشق این موضوع شده‌ام.» سه سال قبل بود که یکی از کمپانی‌های فیلمسازی متوجه مرضی کلی و علاقه او به فیلمسازی شد. کلی از نوعی بیماری اسکلتی رنج می‌برد و این مشکل را از بدو تولد تحمل می‌کرده. بیبوت تا امروز ۴۰ عمل جراحی را پشت سر گذاشته و به گفته پزشکان باید ۱۰ عمل دیگر هم روی ستون فقرات و دنده‌هایش انجام شود تا بتواند زندگی عادی‌ای داشته باشد. البته کلی زیاد به این مساله فکر نمی‌کند و انگار نه انگار که تا امروز این همه بدن خود را به تیغ جراحان سپرده: «قبلاً خیلی گریه می‌کردم اما الان همه چیز برایم عادی شده و با این قضیه کنار آمده‌ام.» داستان کلی به گوش یک کمپانی فیلمسازی رسید و مسوولان متوجه علاقه او به فیلم شدند و تصمیم گرفتند تا به کلی فرصتی برای نشان دادن استعدادش در هالیوود دهند. بعد از مدتی کلی بیبوت تختش در بیمارستان را با صندلی‌های هالیوودی عوض کرد تا هم بازیگری یاد بگیرد و هم تجربه همکاری با بازیگران را داشته



باشد. کلی تصمیم گرفت تا اولین فیلمنامه‌اش را به زندگی خودش و مشکلاتی که طی این مدت تجربه کرده، اختصاص دهد. امی بیبوت، مادر کلی می‌گوید: «کلی نقشه‌های زیادی برای زندگی‌اش کشیده و کارهای زیادی برای انجام دادن دارد. من که فکر می‌کنم شرایط او بهتر از این هم شود.» کلی از طریق فیلمسازی می‌خواهد این پیغام را به گوش بقیه برساند که هر آدمی در سخت‌ترین لحظات باید به چیزهای مثبت فکر کند.

رسانه پرحرف- اول هر چیز ۹- شهر کرمان -جانشین هارون الرشید- خوابیدن ۱۰- اولین سلسله پادشاهی ایران - از موجودات قرآنی - در حال شبوین - ضمیر عربی ۱۱- ضمیر اشاره - مشخص گردیده - سبری شد ۱۲- انتباه، آگاهی - کهنه، فرسوده ۱۳- تاراج - پایتختی در اروپا - پایین ۱۴- از پوشاک زنانه- شهری در استان اردبیل - اخبار فرنگی ۱۵- نیلگون - یار پیچ - فرمانده سپاه فیل

عمودی:

۱- جوهر گل -طفیلی- نزدیک شدن ۲- ماست ترکی - گماشته - سرگذشت‌ها ۳- رود مرزی - پرناز و شوه - طبیعت ۴- میدان‌ها - دعاکردن به درگاه الهی ۵- دندان‌گران قیمت فیل - آرایش صورت بازیگران - من و تو ۶- از مصالح ساختمانی - دروغ ترکی - برابر و مساوی - عالم نهان ۷- الفت - مرکز سنگال - اسارت قدیم ۸- همسر حضرت ابراهیم (ع) -

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

	۵	۳			۲									
	۸	۱												
			۲			۱	۸							
				۴	۹		۶			۲				
	۹	۳						۷						
	۶					۱							۳	
							۸					۶		
				۶						۷			۴	
														۵
				۹	۱									

سودوکو ۳۰۹

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.